



بیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۳

سال نودونهم - شماره ۲۸۷۷۵

# لبنان؛ دیروز و امروز

هنگامی که بیروت می سوخت  
و آتش نشان‌ها لباس سرخ بیروت را می شستند  
و تلاش می کردند تا  
گنجشکان روی گل‌های گچبری را آزاد کنند  
من پابرهنه در خیابان‌ها  
بر آتش‌های سوزان و ستون‌های سرنگون  
و تکه‌های شیشه‌های شکسته می دویدم  
در حالی که چهره‌ی تو را  
که همچون کبوتری محصور بود  
جستجو می کردم...

نزار قبانی

## جامعه‌شناسی رفتارهای متناقض حامیان رژیم صهیونیستی

معیارهای دوگانه  
و نسل‌کشی

کشور، دولت، یا گروه سیاسی اعتراض و از عملکرد آنها انتقاد کنید. اعتراض و محکوم کردن کشورهایی مانند ایران و کره شمالی که دشمن تلقی می‌شوند و دو قدرت جهانی (روسیه و چین) که رقابتی دیرینه غرب به حساب می‌آیند، به صورت خودکار انجام شده و حتماً مورد تشویق و تقدیر و تمجید قرار می‌گیرد.

ولی انتقاد از دولت اسرائیل و اعتراض به جنایتهای آن حکم دیگری دارد، زیرا فرد معترض را در معرض اتهام به یهودستیزی قرار می‌دهد و میتواند تبعات بسیار، از جمله اخراج از کار یا توبیخ و تخریب شخصیت در رسانه‌ها را به دنبال داشته باشد. حامیان اسرائیل که داعیه دفاع از دموکراسی را دارند و به دروغ اسرائیل را تنها دموکراسی در منطقه خاور میانه معرفی می‌کنند، همواره برای سرکوب و حذف مخالفان خود از صحنه اجتماعی و سیاسی کوشیده‌اند. اعتراض به اسرائیل نه تنها مشمول حق اعتراض نمی‌شود، بلکه مستلزم مخاطره و آمادگی برای دریافت حملات و اتهامات غیر اخلاقی و ضد انسانی است.

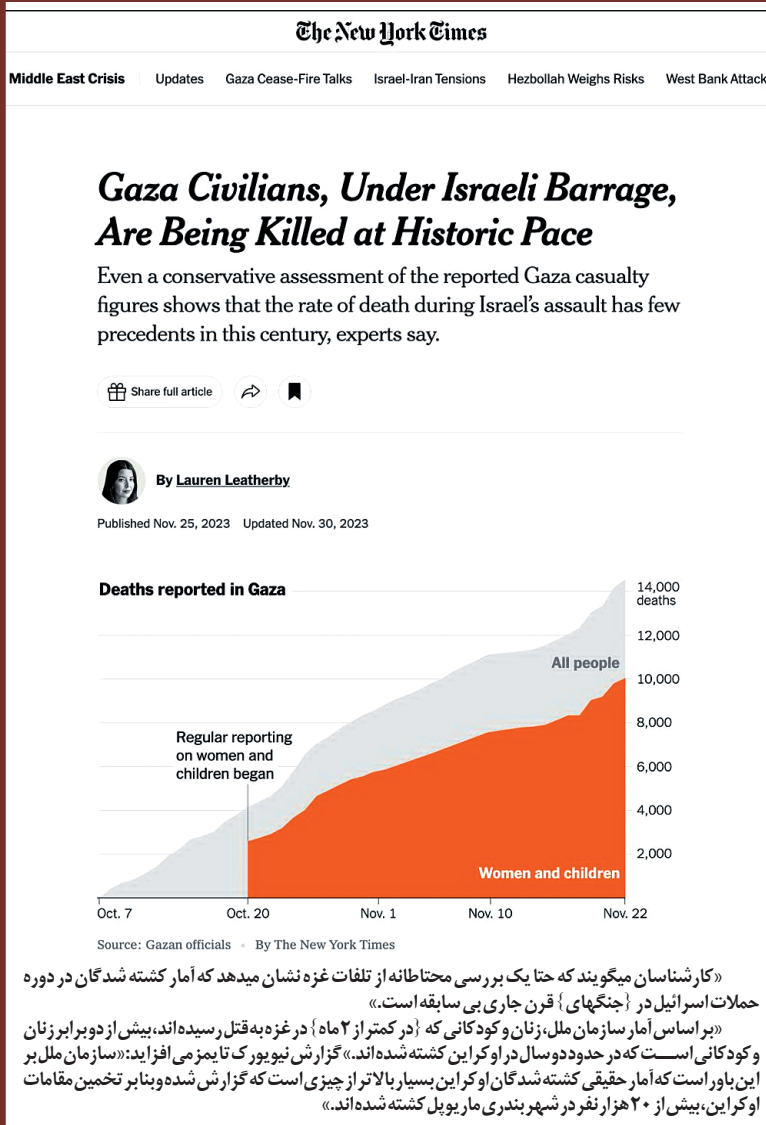
بسیاری از کسانی که از جنایتهای اسرائیل آگاهند، به ویژه نمایندگان کنگره و فعالین مدنی و رسانه‌ای و پژوهشگران و مدرسین دانشگاهها، حاضر به انتقاد و حتماً بازگو کردن حقایق تاریخی و دفاع از حقوق و ارزشهای انسانی نیستند. با این توصیف، کسانی که بی‌وقفه می‌پرسند که چرا معترضان به اسرائیل از چین و روسیه انتقاد نمی‌کنند، خود باید پاسخگوی این استاندارد دوگانه باشند. زیرا آنها با ایجاد فضای رعب و تهدید موفق شده‌اند که هزینه اعتراض به اسرائیل را بالا ببرند تا کمتر کسی حاضر به پذیرش چنین مخاطره‌ای باشد.

نکته دوم این که در بسیاری از رسانه‌های مجازی و حقیقی، نیروهای سیاسی چپ به عنوان علمداران حمایت از فلسطین معرفی می‌شوند و گرایش ضد اسرائیلی به چپ‌گرایی و یهودستیزی جناح چپ نسبت داده می‌شود. این ادعا نیز یکی از دروغهای بزرگ حامیان اسرائیل است که تنها به قصد بی‌اعتبار کردن انتقادات گسترده از اسرائیل و منحرف کردن اذهان عمومی از جنایات آن کشور صورت می‌گیرد. ابتدا باید خاطر نشان کنم که در اروپا و آمریکا، نه احزاب و گروههای چپ، بلکه گرایشهای سیاسی راست‌گرا (محافظه کار، ناسیونالیستهای افراطی، فاشیستها) همیشه در خط مقدم یهودستیزی قرار داشته‌اند.

البته تردیدی نیست که گروههای سیاسی با گرایش به اصطلاح چپ (یعنی گرایشهای مارکسیستی یا سوسیالیستی) به طور تاریخی از جنبش مردم فلسطین حمایت کرده‌اند. دست بر قضا، یکی از این گروهها، تشکل سوسیالیستی کارگران یهودی (Jewish Labor Bund) است. با این حال، حمایت از جنبش حق طلبانه فلسطین محدود به گروههای چپ گران بوده نیست. سازمانهای خیریه همچون پزشکان بدون مرز و نهادهای غیر حکومتی حقوق بشر همچون عفو بین الملل و جمعیتهای دفاع از حقوق کودکان، زنان، اقلیتها، و مدافعان محیط زیست همواره به جنایات اسرائیل اعتراض کرده‌اند. باید از کسانی که سعی در همراه کردن اذهان عمومی و توجیه جنایات اسرائیل دارند، پرسید که آیا دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه نیز توسط چپها سازماندهی شده است؟! آیا ۱۲ حقوقدان برجسته جهانی نیز توسط چپها اجیر شده‌اند و به اقتضای گرایشهای ضد یهودی عمل می‌کنند؟!

آنچه در اعتراضات فراگیر یازده ماه گذشته آشکار شده این است که گروههایی که به طور تاریخی در معرض تبعیض بوده و مورد بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، در اعتراض به اسرائیل حضور فعالی داشته‌اند. گروههای ضد اسرائیل شامل اقلیتهای قومی مانند مهاجران امریکایی لاتین و امریکایی مرکزی و جنوبی، بومیان امریکایی، فعالین فمینیست، و دگرباشان جنسی می‌شود. از همه جالب‌تر اینکه برخی از گروههای پیشرو یهودی، همچون صدای یهودیان برای صلح (Jewish Voice for Peace) از جنایتهای اسرائیل ابراز انزجار کرده‌اند.

نجم‌الدین یوسفی



من است و دوست دشمن من، دشمن من. از نظر حامیان اسرائیل، چون جمهوری اسلامی از فلسطینیان حمایت می‌کند، هر جنایتی علیه مردم فلسطین مجاز است، و چون اسرائیل دشمن جمهوری اسلامی است، تمام جنایات او در واقع عمل خیر است.

این توجیه چیزی نیست جز مرگ انسانیت که منجر به شیوع نژادپرستی و فاشیسم در ایران شده است. این بیماری را باید جدی گرفت و برای مقابله با آن از واکنس انسانیت



از آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳ و اعتراضات گسترده به جنایات جنگی اسرائیل و نسل‌کشی فلسطینیان، شیفتگان اسرائیل که شوربختانه حضور پررنگی در میان ایرانیان، به ویژه در بین افراد سرشناس به اصطلاح «پوزیسیون» و رسانه‌های فارسی زبان دارند، بی‌وقفه این پرسش را مطرح می‌کنند: چرا معترضین به عملیات نظامی اسرائیل در غزه، نسبت به جنایات روسیه در اوکراین، یا نسل‌کشی مردم دارفور در سودان، یا جنایات چین علیه مسلمانان اوغور، و دیگر جنایاتی که در سراسر جهان صورت می‌گیرد بی‌تفاوت هستند و هیچ واکنشی به آنها نشان نمی‌دهند؟

اگر کمی به شاکله و مفروضات این پرسش توجه کنید، در می‌یابید که حامیان اسرائیل کمترین صداقتی در طرح پرسش خود ندارند. باید از این افراد پرسید که اگر شما واقعا بر اساس اصول اخلاقی خودبیزار از جنایت علیه انسانهای بی‌گناه در اوکراین و چین و سودان و دیگر نقاط جهان هستید، چرا وقتی به اسرائیل می‌رسد، بر اصول اخلاقی خود تبصره می‌زیند و استنطاقات می‌شوید؟

اگر شما واقعا از جنایات روسیه در اوکراین، یا نسل‌کشی مسیحیان دارفور در جنوب سودان، یا جنایات چین علیه مسلمانان اوغور ناراحت هستید و آنها را محکوم می‌کنید، چرا چشمان خود را بر جنایات اسرائیل می‌بندید و حتی شرمناکه آن حمایت می‌کنید؟

روشن است که این افراد، پرسش خود را تنها برای منحرف کردن اذهان عمومی از جنایات اسرائیل مطرح می‌کنند و کمترین نیت خیری در انتقاد خود ندارند. وانگهی، اگر جنایات روسیه در اوکراین، یا نسل‌کشی مسیحیان دارفور در جنوب سودان، یا جنایات چین علیه مسلمانان اوغور آنها را چنین اندوهناک ساخته، چرا کاری نمی‌کنند و صدای اعتراضی از آنها بر نمی‌خیزد؟ مگر مسئولیت مقابله با تمام بی‌عدالتی‌هایی که در جهان رخ می‌دهد بر عهده معترضان به اسرائیل است؟ این انتقاد آنها به همان اندازه مسخره است که بر فعالان حقوق کودکان خرده گرفته شود که چرا از حقوق زنان یا حقوق اقلیت‌های دینی دفاع نمی‌کنند!

گذشته از ترویج بی‌صداقتی و فقدان انسانیت، حامیان اسرائیل می‌پندارند که اعتراض سیاسی همچون مناسک دینی است که باید به طور منظم و در زمان و مکان خاصی انجام شود تا مقبول واقع گردد. اعتراض به بی‌عدالتی، یک اقدام سیاسی برای ایجاد تغییر مثبت است و باید در جایی انجام شود که مغفول مانده و به فراموشی سپرده شده است و می‌تواند بیشتر اثر آن را داشته باشد.

بی‌تردید چین و روسیه کارنامه‌های سیاهی در نقض حقوق بشر دارند. آمریکا و اروپا نیز به طور کامل از اوکراین در برابر روسیه حمایت کرده‌اند. پرسش مهم در اینجا است که با اعتراض من، آمریکا و متحدانش چه فشاری بر چین و روسیه اعمال خواهند کرد که بدون اعتراض من نخواهند کرد؟! مطلقاً هیچ.

وضعیت مردم فلسطین، اما، کاملاً متفاوت است، چون کشتار آنها و ویرانی خانه و غصب سرزمینشان با پول مالیات دهندگان آمریکایی و اسلحه‌های ساخت آمریکا و حمایت قدرتهای اروپایی صورت گرفته و می‌گیرد، در حالی که چین و روسیه تماشاچی این جنایات بوده و هستند، و هیچ اقدام مؤثری برای توقف آن انجام نمی‌دهند. ابعاد جنایت اسرائیل و آمار کشته‌ها و مجروحان غزه (به نسبت جمعیت و مساحت منطقه و طول مدت منازعه) با هیچ یک از موارد پیش گفته قابل مقایسه نیست. در ماه نوامبر ۲۰۲۳ روزنامه نیویورک تایمز گزارش کرد که آمار تلفات غیرنظامیان غزه در طول دو ماه حدود دو برابر تلفات غیرنظامیان اوکراین در طی دو سال بود. در آغاز جنگ غزه، اسرائیل ورود آب آشامیدنی و غذا و خدمات پزشکی را به غزه قطع کرد. بر اساس قوانین بین‌المللی این کار اسرائیل مصداق جنایت علیه بشریت و اقدام به نسل‌کشی است.

باید از حامیان اسرائیل پرسید که چطور کشتار مردم بی‌پناه فلسطین خم به ابروی آنها نمی‌آورد؟ و اساساً چه سودی بابت حمایت از اسرائیل عاید آنها می‌شود؟ پاسخ آنها را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: دشمن دشمن من، دوست

## مروری کوتاه بر تاریخ شیعیان لبنان؛ از آغاز تا جنبش امل و حزب الله

کتاب فقهی الممعة الدمشقیة/ علی بن محمد بن یونس بیاضی، متکلم/ شهید ثانی، مؤلف کتاب الروضه البهیة فی شرح الممعة الدمشقیة/ محقق کرکی، از نخستین عالمانی که در دوره صفوی به ایران مهاجرت کرد/ حسین بن عبدالصمد حارثی، شیخ الاسلام شهرهای قزوین، هرات و مشهد/ علی بن هلال کرکی، معروف به شیخ علی منشار؛ پدر خانم شیخ بهایی/ شیخ بهایی، فقیه، محدث، ریاضی دان و.../ شیخ حر عاملی مؤلف کتاب وسائل الشیعة/ احمد بن علی عاملی/ زین الدین جعفر بن حسام عاملی/ محمد بن علی جبای...

باروی کار آمدن حکومت صفویه در ایران، تعدادی از این عالمان به ایران مهاجرت کردند. محقق کرکی اولین عالمی بود که به ایران هجرت کرد و در دستگاه حکومت به ارتق و فتق امور شرعی مردم مشغول شد. حضور این عالمان در دستگاه حکومت، تأثیرات فکری بسیاری بر جامعه ایران بر جای نهاد. پس از این دوره، فضای دینی لبنان شاهد یک نوع افول علمی بود تا این که مجدداً در سده اخیر، عالمانی از لبنان برخاستند.

مهم ترین عالمان لبنانی در سده های متأخر عبارتند از: سید محسن امین/ سید عبدالحسین شرف الدین/ محمد جواد مغنیه/ محمد مهدی شمس الدین/ سید محمد حسین فضل الله

شیخ مفید الفقیه در ۱۵ سالگی برای تحصیل علوم دینی به نجف مهاجرت کرد و در درس خارج آیت الله حکیم و آیت الله خوئی حاضر شد. او در سال ۱۹۹۰ به لبنان بازگشت و در جنوب این کشور «دانشگاه نجف الاشرف» را برای آموزش طلبه ها تأسیس کرد. وی در ۱۵ فروردین ۱۳۹۵ ش برابر با ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۳۷ ق در ۷۹ سالگی در لبنان در گذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در حرم حضرت علی (ع) دفن شد.

### وضعیت اجتماعی و اقتصادی

پایان دهه شصت میلادی، سر آغاز فصل جدیدی در لبنان بود. این کشور به دنبال تغییرات اقتصادی که از قرن نوزدهم آغاز شده بود، شکوفایی اقتصادی خاصی را تجربه می کرد. بیروت به واسطه ای میان کشورهای صنعتی و کشورهای نفت خیز خاور میانه تبدیل شده و قلب اقتصاد منطقه رادر خود جای داده بود. به موازات این تغییرات ساختاری در اقتصاد ملی، شیعیان نیز گسترش جمعیتی خوبی را تجربه می کردند و جمعیت آنان نسبت به چهار دهه قبل، افزایش چشمگیری یافته بود. تغییر لبنان از یک جمهوری کشاورزی که حیات خود را به کشاورزی و کشاورزان میبوید، به یک جمهوری وابسته به شهر نشینی و تبعات این تغییر برای شیعیان، از مهم ترین دلایل آغاز فعالیت های سیاسی شیعیان در این زمان است. در این سال ها انقلاب جمعیتی شیعیان و بسیج اجتماعی شدید آنها، به واسطه طایفه گری رایج در لبنان و منافع بازیگران منطقه ای و بین المللی نادیده گرفته شد و شیعیان برای احقاق حقوق خود، فعالیت های گسترده ای را به خصوص از سال ۱۹۶۰ به بعد آغاز کردند.

به طور سنتی، کشاورزی منبع اصلی معیشت هادر جنوب لبنان و دره بقاع است. تا اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، نزدیک به ۹۰ درصد نیروی کار جذب این مناطق می شد و کشاورزان به کشت دیم اشتغال داشتند. البته تا آن زمان، اکثر زمین های کشاورزی به ملاکان بزرگی تعلق داشت که تعداد آنها در چند خانواده شیعی خلاصه می شد. این نوع بهره برداری کاپیتالیستی از کشاورزان شیعه، به همراه عواملی نظیر چرخش بازار سرمایه به بخش های غیر کشاورزی و بی تفاوتی حکومت مرکزی، تضعیف ساختار تولیدات کشاورزی رادری داشت و کشاورزان شیعه را بیش از هر زمان دیگری تحت فشار قرار داد. در چنین زمانی زیر ساخت های لازم برای صنایع دیگر، به جای قرار گرفتن در مناطق شیعه نشین، برای کم کردن فشار و رفع محرومیت، به مناطق غیر شیعه نشین انتقال یافت و بر محرومیت بیش از پیش شیعیان افزود. باید خاطر نشان ساخت که بروز چنین شرایطی، نتیجه سیاست های تجاری دولت های الخوری (۱۹۴۳-۵۲) و چامون (۵۸-۵۹)

# رنج و مقاومت

از آنجا که شاهان شیعه صفوی دشمن اصلی سلاطین اهل سنت عثمانی به حساب می آمدند، همواره به شیعیان به چشم دشمن می نگرستند و همانند شهبایی ها و معانی ها، به محدود ساختن و تحت فشار قرار دادن آنها ادامه دادند و بدین ترتیب جبل عامل و بعلبک را به دست شیوخ خود نظیر علی الصغیر و طوایفی چون حمادی سپردند. البته نحوه حکومت غیر مستقیم سلاطین عثمانی بر لبنان که هر بخش آن جزئی از ولایت های حکومت عثمانی به حساب می آمد، به شیعیان فرصت داد، تا با پرداختن مالیات های سنگین، به کشت نوعی پنه رنگی خاص در جبل عامل بپردازند و از این راه رشد اقتصادی و فرهنگی گسترده ای را در قرون هفدهم و هجدهم میلادی تجربه کنند. شیعیان در این سال ها بر تحرک سیاسی خود افزودند و با ایجاد توانایی های نظامی و ائتلاف با افرادی نظیر ظهیر العمر، علیه شهبایان و معانی ها در جبل لبنان قیام کردند. تحركات سیاسی شیعیان در این سال ها، بیشتر برای مقاومت در برابر خراج هایی بود که باید به حکومت عثمانی می پرداختند. با ترور ظهیر العمر در سال ۱۷۷۶، احمد پاشا الجزائر والی صیدا شد و سر کوب شیعیان رادر دستور کار خود قرار داد.

با تغییر سیاست حکومت عثمانی و تمایل سلاطین آن به واگذاری بخشی از اختیارات خود به خاندان های محلی، برای حکمرانی و اصلاحات ارضی در نیمه دوم قرن نوزدهم، وضعیت شیعیان بار دیگر شاهد دگرگونی های محدود اقتصادی و اجتماعی گردید. خاندان های محلی که دیگر به عامل ارتباطی میان حکومت عثمانی و مردم تبدیل شده بودند، با استفاده از اصلاحات ارضی، مالکیت ارضی و سیاسی را به دست آورده و طبقه ای اشرافی به نام «الزعماء» ایجاد کردند.

در اواخر قرن نوزدهم این طبقه گسترش یافت و ثروتمند شدن آنها، آثاری سیاسی به همراه آورد. اعضای این طبقه، نمایندگان مناطق شیعی در شوراهای اداری عثمانی بودند و به گسترش نفوذ شیعیان کمک می کردند. این تأثیر بار قابت های داخلی، زعما با یکدیگر کاهش یافت

شیعیان در نقش بزرگ ترین گروه مذهبی لبنان، نه تنها قدمتی طولانی در تاریخ این کشور دارند، بلکه در سال های اخیر، به ویژه از سال ۱۹۶۰ به این سو که برابر با خیزش جنبش شیعه در لبنان است، نقش بسیار مهم و پر رنگی را در حیات سیاسی این کشور ایفا کرده اند. با اینکه شیعیان بزرگ ترین گروه مذهبی لبنانی هستند و باید در نظام سیاسی طایفه ای این کشور، بالاتر از مسیحیان مارونی و اهل سنت قرار گیرند، هنوز نتوانسته اند، به حقوق خود دست یابند و بی توجهی تاریخ دولت مرکزی این کشور به خود را جبران کنند.

### ۱. تاریخچه حضور شیعیان در لبنان

گذشتن سنگ بنای شکل گیری جامعه شیعی در لبنان را به ابوذر غفاری، از باران نزدیک پیامبر و از طرفداران و پیروان جدی حضرت علی (ع) نسبت می دهند. این مطلب در اکثر منابع موجود در باره تاریخ شیعه در لبنان مورد تأیید قرار گرفته و در آنها آمده است که نام جبل عامل، پایگاه اصلی و تاریخی شیعیان، از نام قبیله ای یمنی به نام عامله که به شام مهاجرت کرده، در نزدیکی دمشق و در دامنه کوهی که امروزه به جبل عامل معروف شده، اسکان یافته بودند، گرفته شده است. به گفته مورخان، معاویه ابوذر را که از دوستداران جدی حضرت علی (ع) بود، تبعید کرد و ابوذر با اسکان در جبل عامل، به تبلیغ مذهب شیعه در میان مسیحیان منطقه پرداخت. به گفته منابع تاریخی، جبل عامل از نخستین مراکزی بود که به پایگاه شیعه تبدیل گردید و تاریخ شیعه در جبل عامل، تنها از منطقه حجاز قدمتی کمتر دارد.

به اعتقاد مورخان اگر شیعه به معنای عام آن در نظر گرفته شود، ورود شیعه به لبنان، برابر با ورود ابوذر غفاری به این کشور است و اگر شیعه بر اساس دکتین مطرح شده از سوی امام صادق در نظر گرفته شود، ورود شیعه به لبنان را باید به زمان زندگی آن حضرت، در زمان خلافت عباسیان نسبت داد. فروپاشی سلسله عباسیان در قرن دهم میلادی، شرایط مناسبی را در اختیار شیعیان قرار داد و آنها با استفاده از فرصت به وجود آمده، جنبش هایی را به وجود آوردند که در سراسر جهان اسلام فعالیت داشتند.

قرامطه حکومتی رادر بحرین ایجاد کردند و حملات ناموفق بسیاری را علیه سوریه و بین النهرین انجام دادند. اسماعیلیان به دنبال عدم موفقیت در شام و بین النهرین، به شمال آفریقا (سال ۹۰۹ میلادی) مهاجرت و در آنجا فعالیت کردند. زیدی ها در فاصله سال های ۸۶۴ تا ۱۱۲۶ میلادی کنترل طبرستان رادر دست داشتند و با به قدرت رسیدن آل بویه در بین النهرین، قلب خلافت عباسیان، شیعیان نفوذ خود را در آنجا گسترش دادند.

در آن سال ها، امارت نشین ابوطالب ابن عمار که منطقه طرابلس رادر بر می گرفت و امارت نشین عین الدولی بن اسماعیل که منطقه صور را شامل می شد، از مناطق شیعی نشین محسوب می شدند تا اینکه سلطیبنان با تسخیر طرابلس و صور، در سال های ۱۱۰۹ و ۱۱۲۴ میلادی به این وضعیت پایان دادند.

در پایان قرن دوازدهم میلادی، با فروپاشی حکمرانی فاطمیان در مصر، قاهره پایتخت ابوبی و سلاطین مملوک شد. ابوبی ها پس از تصرف شام، توسعه نظامی خود را متوجه منطقه کیسروان جبل لبنان کردند و با حمله به شیعیان آنها را وادار ساختند تا در بعلبک، جزین، جبل عامل و مناطقی در اطراف بیروت و صیدا پناه گیرند. این مهاجرت شیعیان از منطقه جبل لبنان موجب شد تا جامعه شیعی حدقلی در این منطقه، آن هم با استفاده از تقیه باقی بماند، امری که تا به امروز پایدار مانده و به همین دلیل جمعیت شیعیان در جبل لبنان (جبل بیروت امروزی) چندان زیاد نیست. همان دلایلی که موجب شد تا جمعیت شیعیان در منطقه شمال مرکزی لبنان کاهش یابد و به این وضعیت در قرن هجدهم میلادی نیز ادامه دهد، موجب گردید تا جمعیت مارونی ها در زمان حکومت شهبایی ها و معانی ها، طی قرون ۱۸ و نوزدهم میلادی افزایش یابد. با پیروزی عثمانی ها بر سلسله مملوکیان در سال ۱۵۱۶ میلادی، آزار و اذیت شیعیان همچنان ادامه یافت.





(۱۹۵۲) وی تفاوتی آنها به مناطق حاشیه‌ای - شیعه نشین - بود. برای سال‌ها چنین شرایطی تداوم یافت و موجب شد تا بیروت و مناطق کوهستانی نزدیک آن، به حد اکثر شکوفایی برسد و مناطق دیگر، به ویژه جنوب و بقاع، ر کودی سابقه‌ای را تجربه کنند. این توسعه نا عادلانه منطقه‌ای، به توزیع نا عادلانه قدرت و مشارکت سیاسی نیز انجامید و مثلث نادیده انگاشته شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شیعیان را کامل کرد.

### جنوب لبنان

جنوب لبنان منطقه‌ای را در بر می‌گیرد که از رود اولی در شمال، تاشهرک ناقوره در جنوب، و از دریای مدیترانه در غرب، تا مرز سوریه و لبنان در شرق امتداد دارد و یک پنجم خاک لبنان را تشکیل می‌دهد. جنوب لبنان از مراکز اصلی سکونت و فعالیت شیعیان لبنان است. دو استان از استان‌های هشتگانه لبنان یعنی استان نبطیه و استان جنوب لبنان، در منطقه جنوب لبنان قرار دارند. قبل از ۱۹۷۵ م این منطقه استان واحدی به نام جنوب لبنان بود اما پس از آن به دو استان تقسیم گردید. جنوب لبنان دارای مرز زمینی با سوریه و مرز دریایی با مصر و شمال افریقا است. به گفته قبسی پڑو هوشگر تاریخ لبنان، جنوب لبنان یکی از نقاط اختلافی بین فرانسه و انگلیس در زمان قیمومیت بود و در نتیجه توافق که بین دو کشور در ۱۹۲۲ م صورت گرفت بخش بزرگی از خاک جنوب لبنان شامل هفت قریه ضمیمه فلسطین گردید. گزارش شده است که مناطق ضمیمه شده به خاک فلسطین در ۱۹۴۸ م از سوی اسرائیل اشغال و ساکنان آنها اخراج گردیدند. با توجه به تداوم منازع اعراب و اسرائیل و اینکه جنوب لبنان در حدفاصل لبنان، سوریه و اسرائیل قرار دارد، دارای اهمیت سوق الجیشی دانسته شده است.

### منزلت فرهنگی و سیاسی امام موسی صدر

چنان که گفته شد، تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مدرنیزاسیون نیروهای شیعی و بسیج سیاسی آنها را در پی داشت و آگاهی سیاسی شیعیان طبقه متوسط سیاسی خاصی را شکل داد که منتقد اصلی شرایط موجود بود و از الگوهای مختلفی نظیر فعالیت گروه‌های آزادیبخش فلسطینی و برخی گروه‌های چپ، برای احقاق حقوق خود سود می‌برد. در چنین شرایطی، با ظهور امام موسی صدر در متن جامعه شیعیان، جنبش سیاسی آنان جهت یافت و به برنامه، هدف و خطمشی لازم برای فعالیت‌های خود رسید.

امام موسی صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ هجری شمسی، در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود و پس از اتمام سیکل اول و بخش مقدمات علوم حوزوی در خرداد سال ۱۳۲۲، رسماً به حوزه علمیه قم پیوست و طی مدتی کوتاه، ضمن بهره‌گیری از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمد باقر سلطانی، علامه طباطبایی، امام خمینی و سید محمد محقق داماد، دروس سطح را به پایان رسانید. وی از ابتدای سال ۱۳۲۶ وارد مرحله درس خارج گردید و تا سال ۱۳۳۸ کسب تحصیل کرد. امام موسی صدر در کنار تحصیلات حوزوی، دروس دبیرستان خود را به اتمام رساند و در سال ۱۳۲۹ به عنوان نخستین دانشجوی روحانی، در رشته «حقوق در اقتصاد»، به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۳۲ از آن فارغ التحصیل شد.

امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۳۸ (برابر با ۱۹۵۹ میلادی) و به دنبال توصیه‌های حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین، وصیت مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف الدین، رهبر فقیه شیعیان لبنان را لایک



جبل عامل، صیدا، نبطیه، صور، جزین، مَرْجَبیون، حاصیبیا و بِنْت جُبیل مهمترین مناطق و شهرهای جنوب لبنان هستند. [۵۹] در اینجا برخی مناطق و شهرهای عمدتاً شیعه نشین معرفی می‌شود:

بر بررسی مشخصه‌های توسعه انسانی آن زمان، نظیر آموزش، درآمد و کار، تفاوت‌های اجتماعی - سیاسی بین مناطق و گروه‌های مذهبی بسیار آشکار می‌شود:

۱. جنوب لبنان و بقاع، مراکز اصلی شیعه نشین، از فقیرترین و کم توسعه یافته‌ترین مناطق محسوب می‌شدند.

### ۲. در لبنان وضعیت مسلمانان به مراتب بسیار بدتر از مسیحیان بود.

۳. در چنین شرایطی، شیعیان بدترین وضعیت سیاسی و اجتماعی را داشتند.

در سال ۱۹۷۰ در صدهای سوادیه در بقاع، جنوب و شمال ۵ درصد بیشتر از محافظه جبل لبنان بود و بی سوادی در بین زنان جنوب به ۶۰/۳ درصد می‌رسید. دیگر آمار آن سال‌ها نیز محرومیت نسبی و توسعه نا عادلانه جنوب و بقاع را نشان می‌دهند. مجموعه شرایط یاد شده، موجب گردید تا در سال ۱۹۷۱ تقریباً نیمی از جمعیت جامعه شیعیان لبنان، به بیروت مهاجرت کنند. تا پیش از این زمان، جمعیت کوچکی از شیعیان در بخش‌های مرکزی بیروت سکونت داشت؛ اما موج جدید مهاجران، اکثر آدر جنوب بیروت اسکان یافتند و کمربندی شیعی در جنوب این شهر به وجود آوردند؛ کمربندی که مسیبان عقب ماندگی شیعیان، آن را کمربند بدبختی می‌نامیدند. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، ۹۰ تا ۹۰ درصد کارگران کارخانه‌های مستقر در جنوب بیروت و ۵۰ تا ۶۰ درصد کارگران کارخانه‌های مستقر در شرق این شهر - اکثر آدر تصاحب مسیحیان - را شیعیان تشکیل می‌دادند. چنین حضور پر رنگی در قلب تحولات سیاسی، به شکل گیری مثلثی میان بیروت، بقاع و جنوب منجر گردید و از این پس، خواست‌های شیعیان جنوب و بقاع، زودتر و با سهولت بیشتری به پایتخت انتقال یافت. علاوه بر این، مهاجرت دائم به بیروت، تحولی اساسی در آگاهی سیاسی شیعیان به وجود آورد و شیعیان تمایز میان نفوذ خود و دیگر گروه‌های مذهبی، ساختار اجتماعی آنان و روابطشان با قدرت سیاسی را بیشتر شناختند. این شناخت به تکوین موضع و جهت گیری شیعیان کمک کرد و به بسیج آنها در انتخابات و ایجاد تحولات سیاسی انجامید.

در آمد و از رهگذر همفکری و ارائه سمینارهای متعدد در آن، انتشار آثاری چون کتاب مغز متفکر جهان شیعه از مینه‌سازی نمود. وی در سال ۱۳۴۹ به عضویت دائم «مجمع بحوث اسلامی قاهره» درآمد. امام صدر در سال ۱۳۴۹ رهبران مذهبی طوایف مسلمان و مسیحی جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گرد هم آورد، تا برای مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی چاره‌اندیشی نمایند. وی در زمستان ۱۳۵۳ و در اقدامی بی سابقه، خطبه‌های عید موعظه روزه را در حضور شخصیت‌های بلند پایه مسیحی لبنان در کلیسای کبوشین بیروت ایراد نمود. امام صدر در اواسط سال ۱۳۵۷ شمسی موفق گردید رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را جهت برپایی یک جبهه فراگیری متقاعد نماید و در این مسیر تا آنجا پیش رفت که حتی موعد تأسیس و اولین گرد همایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی مشخص نمود.

شیعیان تا به آن زمان، فاقد هر گونه تشکیلات سیاسی برای دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی شان بودند؛ در حالی که مارونی‌ها و اهل سنت، چنین سازمان‌هایی را در اختیار داشتند. امام موسی صدر در سال ۱۹۶۶ برای نخستین بار، از ضرورت تشکیل یک مجلس شیعی سخن به میان آورد. این طرح با مخالفت‌های بسیاری در محافل دولتی و غیر دولتی مواجه گردید؛ با این همه به دلیل پیگیری‌های وسیع و مستمر امام موسی صدر و جامعه شیعیان، مجلس لبنان در سال ۱۹۶۷، با تصویب طرحی به شیعیان اجازه تأسیس چنین مجلسی را داد. این مجلس، با نام مجلس اعلا اسلامی شیعیان، رسماً در ژوئن ۱۹۶۹ کار خود را آغاز کرد و امام موسی صدر، به عنوان اولین رئیس آن انتخاب گردید. امام صدر که طی ایجاد مجلس شیعیان، بارها با بیعت و حمایت گسترده جامعه شیعی مواجه شده بود، با بهره‌مندی حمایت عمومی، به پیگیری مطالبات شیعیان، از جمله اجرای پروژه‌های زیر بنایی توسط دولت مرکزی و محوریت زدایی از مناطقی شیعی پرداخت.

در پی امتناع دولت مرکزی لبنان از پذیرش مطالبات شیعیان، فعالیت امام صدر وارد مرحله جدید دیگری شد و او جنبش «حرکت المحرومین» را در سال ۱۹۷۵ میلادی تأسیس کرد. حرکت المحرومین، یک سازمان منظم شیعی بود که در گام نخست، خواهان برقراری عدالت و رفع تبعیض علیه شیعیان توسط دولت مرکزی گردید. چیزی نگذشت که این جنبش، نقشی محوری در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شیعیان یافت و با حمایت عمیق و گسترده آنان، در راستای تأمین منافع شیعیان، تحولات سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داد. تأسیس جنبش محرومان برای نخستین بار در تاریخ شیعیان لبنان اتفاق می‌افتاد و شیعیان برای نخستین بار، در چارچوب یک تشکیلات مستقل و منظم، حضور خود را به اثبات می‌رساندند. بعدها از دل این جنبش، واحدهای مقاومت لبنان امل و در دهه ۱۹۸۰ حزب الله سر در آوردند.

با گسترش حملات رژیم صهیونیستی علیه مناطق جنوب لبنان، به واسطه حضور جبهه آزادیبخش فلسطین، امام موسی صدر به فکر ایجاد ارتش قدرتمند، برای دفاع از این مناطق در برابر رژیم اسرائیل افتاد. وی با همکاری فراماندهی شهید چمران، سازمان «افواج مقاومت لبنان» را که به اختصار امل نامیده می‌شد، تأسیس کرد. این سازمان در آغاز به شکل غیر علنی فعالیت می‌کرد، اما پس از انفجار اردوگاه نظامی آن در دره بقاع، با نام عین البینه و کشته شدن ۲۷ تن از مجاهدین آن، امام موسی صدر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی رسماً موجودیت مقاومت لبنان را اعلام کرد.

تأسیس مقاومت اسلامی امل، به یک سال پیش از تأسیس جنبش فلسطینی فتح بازمی‌گشت و امام صدر از آن زمان، به فکر ایجاد نیروی مقاومتی برای مقابله با اسرائیل بود. بر این اساس، وی در سال ۱۹۶۵ گروهی از جوانان شیعه را به مصر اعزام کرد تا در دوره‌ای شش ماهه، فنون نظامی را فراگیرند. با بازگشت این جوانان عملیات ایذایی مشترک رزمندگان فلسطینی و لبنانی در شمال فلسطین اشغالی آغاز گردید. این عملیات و عملیات‌های بعدی امل، با صلاحید امام صدر، به نام نیروهای فتح ثبت شد و امل تا سال ۱۹۷۵ و علنی شدن فعالیت آن، به شکل غیر رسمی فعالیت می‌کرد. در کنار فعالیت‌های ذکر شده، امام موسی صدر به دلیل شناختی از جامعه لبنان داشت، خواهان تبدیل لبنان به کشوری بر اساس «اصل تکثر گرای دینی و مذهبی» بود و به همین دلیل همواره از جدا کردن جامعه شیعیان از جامعه لبنان مخالفت می‌ورزید. او به علت بی طرفی و دخالت نکردن در جنگ داخلی لبنان، توانست طایفه شیعه و قدرت کار ساز مؤثر آن را در شرایط بی ثباتی این کشور، در حین جنگ حفظ کند و به همین دلیل تا زمان حضورش، یعنی سال ۱۹۷۸ مناطق شیعه نشین از آتش جنگ داخلی، آن گونه که مناطق مسیحی نشین، سنی نشین و دروزی نشین متضرر شده بودند، متضرر نشدند.

امام موسی صدر، در ۳ شهریور ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) به دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی شد و عروزی پس از آن، در آستانه سفر به ایتالیا مفقود گردید. از آن زمان تا کنون، سرنوشته امام صدر همچنان نامشخص مانده و مردم دولت لبنان معتقدند که وی توسط قذافی ربوده و زندانی شده است.

### انقلاب ایران و تحولات جدید

با مفقود شدن امام موسی صدر، توانایی حفظ وحدت و یکپارچی نیروهای جنبش امل کاهش یافت و مواضع جدید برخی اعضای آن، موجب انشعاب در این جنبش و خروج بعضی اعضای فعال آن با هدف ایجاد جنبشی جدید گردید. بدین ترتیب گام‌های نخست تأسیس چنین جنبشی که بعدها «حزب الله» نام

گفت و به عنوان جانشین آن مرحوم، به شهر صور در جنوب لبنان مهاجرت کرد. شیعیان لبنان که تا آن زمان فاقد هر نوع برنامه و انسجامی در فعالیت‌های سیاسی خود بودند، پس از مهاجرت امام موسی صدر و فعالیت‌های آگاهی بخش او، به باز یگرانی فعال و آگاه در صحنه سیاسی لبنان تبدیل شدند. امام موسی صدر، بلافاصله پس از ورود خود، به فردی تأثیر گذار در حوزه سیاست و فرهنگ شیعیان تبدیل گردید. امام موسی صدر با هدف رفع تبعیض‌ها و محرومیت زدایی، فعالیت‌های گسترده فرهنگی و مذهبی را آغاز کرد و برنامه‌های کوتاه میان و دراز مدتی را برای احیای جامعه شیعی تدوین کرد. وی در سال ۱۹۶۰ جمعیت خیریه «البر والاحسان» را تجدید سازمان کرد و با برنامه‌ای ضربتی، به حل نیازهای مالی خانواده‌های بی بضاعت در شهر صور و اطراف آن پرداخت.

فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی امام صدر به صورت محدود نشد و امام با راه اندازی جمعیت‌های خیریه و موسسات فرهنگی متعدد، در شهرها و نواحی مختلف شیعه نشین، از قبیل مؤسسه مطالعات اسلامی، مدرسه جبل عامل و خانه زنان و دختران، به اهداف اولیه خود، یعنی آگاه سازی فرهنگی و سیاسی شیعیان، جامعه عمل پوشاند. وی پس از این فعالیت‌ها موفقیت در برقراری ارتباط با جامعه طایفه ای لبنان و محافل و کشورهای خارجی، بر نامه‌های خود را وارد مرحله سیاسی کرد و به فکر ایجاد تشکیلات سیاسی برای شیعیان افتاد.

تلاش برای گفتگوی ادیبان و تقریب مذاهب در لبنان از اصلی‌ترین دغدغه‌های او بود. وی از اولین روزهای هجرت به لبنان در زمستان ۱۳۳۸، با طرح شعار «گفتگو، تفاهم و همزیستی»، پایه‌های روابط دوستانه و همکاری صمیمانه‌ای را با مطران یوسف الخوری، مطران جرج حداد، شیخ محی الدین حسن و دیگر رهبران دینی مسیحی و اهل سنت آن کشور بنا نهاد.

از اواخر سال ۱۳۴۱ ش حضور گسترده امام صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز گردید. سخنرانی‌های تاریخی امام صدر در دیر المخلص واقع در جنوب، و کلیسای مار مارون در شمال لبنان طی سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، اثرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور بر جای نهاد. وی در بهار ۱۳۴۴، اولین دور سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی، در مؤسسه فرهنگی «الثنوه اللبنانیه» به راه انداخت. در سال ۱۳۴۶ شمسی به دیدار پاپ رفت و نشستی که ابتدائاً نیم ساعت پیش بینی شده بود، به تقاضای پاپ بیش از دو ساعت به درازا کشید.

امام صدر از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام شناسی استراسبورگ

علیه «افراطی‌های اسلام‌گرا» می‌جنگد و «متعهد شد که گروهش به شبه‌نظامیان سوری اجازه نخواهد داد مناطق هم‌مرز با لبنان را کنترل کنند.» او تأیید کرد که حزب‌الله در شهر استراتژیک قصیر سوریه در سمت‌ار تیش سوریه می‌جنگد. وی در این سخنرانی تلویزیونی گفت: «اگر سوریه به دست آمریکا، اسرائیل و تکفیری‌ها بیفتد، مردم منطقه ما وارد دوران تاریکی خواهند شد.» در ژوئیه ۲۰۱۴، برادرزاده نصرالله در جنگ سوریه شهید شد.

سید حسن نصرالله شخص محبوبی در لبنان و دیگر کشورهای عربی بود و علی‌رغم این‌ها، مخالفان سرسختی نیز داشت. او مانند دیگر رهبران به‌ویژه در میان پیروانش در جامعه مسلمانان شیعه لبنان محبوب بود. او در ورود حزب‌الله به عرصه سیاست و دست‌یابی این گروه به قدرت در ساختار حکومتی لبنان، نقش کلیدی داشت. اعتبار نصرالله به دلیل مقابله با اسرائیل افزایش یافت و به شخص قدرتمندی در این کشور تبدیل شد.

او به منظور جلوگیری از ترور شدن، به وسیله اسرائیل، سال‌ها بود که کمتر در انظار عمومی حاضر شد. تیم حفاظتی مسئولیت حفاظت وی را بر عهده داشتند. این تیم حفاظت را عمداً معنیه ایجاد کرد و ابو علی جواد مسئولیت این تیم را بر عهده داشت. وی که داماد سید حسن نصرالله و به «سپر سید» معروف بود، دوره‌های متعدد و پیچیده نظامی را در ایران گذرانده است. به گفته کسانی که با او دیدار داشتند، نیروهای حزب‌الله آنان را برای دیدار با نصرالله با تدابیر امنیتی شدید به مکانی نامشخص هدایت می‌کردند. همچنین سخنرانی‌هایش به‌طور زنده و با استفاده از فرستنده برای مردم انجام می‌شد.

نصرالله رابطه نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران و رهبری ایران داشت. حمایت مالی جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله باعث شد تا نصرالله با تشکیل شبکه‌ای پیچیده از مدارس، بیمارستان‌ها و انجمن‌های خیریه، به بسیاری از شیعیان لبنان خدمات رفاهی و اجتماعی برساند. این سیاست به یکی از جنبه‌های مهم هویت جنبش سیاسی-اجتماعی شیعیان در لبنان تبدیل شد.

حزب‌الله در این چارچوب، مورد توجه بیشتر شیعیان قرار گرفت و با استفاده از این حمایت و با تکیه بر شاخه نظامی خود، تحت نام مقاومت اسلامی، به تنها نیروی پایدار در برابر اسرائیل در منطقه تبدیل گردید. عقب‌راندن اسرائیل از جنوب لبنان در هفتم ژوئیه ۲۰۰۰ و مقاومت حماسی این حزب در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی علیه لبنان و وارد آوردن خسارات مهم و حیاتی به این رژیم، از دستاوردهای بزرگ مقاومت اسلامی است.

حزب‌الله به دنبال موفقیت‌های نظامی، استراتژی سیاسی فعالی رانیز در صحنه سیاسی لبنان اتخاذ کرد و به خصوص پس از سال ۲۰۰۰، به بازیگر مهم عرصه سیاسی لبنان و منطقه تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۷، علا زلالی، خواننده لبنانی آهنگی با عنوان «با نصرالله» ساخت. خواننده مسیحی لبنانی، جولیا بطرس، آهنگ محبوب دیگری که برای ادای احترام به او به نام «Ahebbai» به معنای «عزیزان من» ساخت که الهام گرفته از سخنان نصرالله در پیام تلویزیونی برای مبارزان حزب‌الله در جنوب لبنان در جنگ ۲۰۰۶ است.

### حمله هوایی و شهادت رهبر حزب‌الله

در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴، سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که نیروی هوایی اسرائیل، مقر اصلی حزب‌الله در بیروت را با هدف ترور نصرالله مورد حمله قرار داده است. منبع وابسته به حزب‌الله به رویترز گفت که نصرالله زنده است، در حالی که خبر گزارری تسنیم ایران گزارش داد که او و سید هاشم صفی‌الدین «در سلامت» هستند. یک مقام ارشد امنیتی ایران نیز به رویترز اشاره کرد که ایران در حال بررسی وضعیت وی است.

ارتش اسرائیل در روز بعد مدعی شد که نصرالله طی حمله هوایی به زیرزمین یک ساختمان در ناحیه ضاحیه در جنوب بیروت کشته شده است. ساعاتی بعد شهادت وی از سوی حزب‌الله نیز تأیید شد. حماس، جهاد اسلامی فلسطین، گردان‌های کتائب حزب‌الله، حشد شعبی و انصارالله یمن هر کدام با صدور بیانیه‌ای شهادت سید را تسلیت گفتند. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، پس از مرگ او پیامی صادر و ۵ روز عزای عمومی اعلام کرد.



نصرالله به ریاست کمیته انتخاب شد. در عین حال او در شورای تصمیم‌گیری حزب‌الله نیز وارد شد و مسئول اجرایی آن نیز بود.

پس از ترور سید عباس موسوی به وسیله بالگردهای اسرائیلی در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲، با اجماع شورای تصمیم‌گیری حزب‌الله، نصرالله برای دبیر کلی حزب‌الله انتخاب شد. او در زمان رهبری حزب‌الله، ۳۲ سال داشت و به عقیده برخی، انتخاب او ناشی از ارتباطات ویژه‌اش با جمهوری اسلامی ایران بود زیرا به عقیده بسیاری از روحانیون شیعه، نصرالله از تحصیلات دینی کافی برخوردار نبود. اما او کارآمد و بسیار مدیر و با پشتکار بود و برای جبران بار علمی، در همان زمان تحصیلاتش را از سر گرفت.

در زمان رهبری نصرالله، برخی از اعضای حزب‌الله در انتخابات لبنان شرکت داشتند. نصرالله تصمیم گرفت تا شاخه سیاسی حزب‌الله به موازات شاخه نظامی آن به بازیگر مهم لبنان تبدیل شود. حزب‌الله به هشت کرسی در پارلمان لبنان دست یافت. در این دوران حزب‌الله به طراحی و اجرای عملیات تروریستی نیز متهم شد.

سید حسن نصرالله از همان آغاز هدایت حزب‌الله لبنان موضوعی تهاجمی علیه اسرائیل اتخاذ کرد. یک سال پس از دبیر کلی وی در حزب‌الله در سال ۱۹۹۳، تعداد ۲۶ سرباز اسرائیلی در نزاع طرفین توسط حزب‌الله کشته شدند. جنگ حزب‌الله علیه اسرائیل برای عقب‌راندن اسرائیل از جنوب لبنان ادامه پیدا کرد. تعداد کشته‌های سربازان اسرائیلی در سال ۱۹۹۷ به ۴۰ تن رسید. با ساخت شدن شرایط اسرائیل مجبور به ترک خاک لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی شد. پیروزی حزب‌الله در خارج کردن اسرائیل از جنوب لبنان و کشته شدن پسر نصرالله در جنگ در سال ۱۹۹۷، موجب محبوبیت سید حسن نصرالله در جنوب لبنان شد. به دنبال خروج اسرائیل از لبنان، گروه‌های سیاسی رقیب و قدرت‌های خارجی، خواهان خلع سلاح این گروه بودند اما نصرالله با این کار مخالفت کرد. در ۲۵ مه ۲۰۱۳، نصرالله اعلام کرد که حزب‌الله در جنگ داخلی سوریه

یافت، در سال ۱۹۸۲ بر داشته شد. در آن سال شماری از شخصیت‌ها و گروه‌های شیعه معتقد به ضرورت ایجاد حزبی مشخص برای مبارزه با اشتغالگری و کسب هویتی مستقل که در گذشته در چارچوب فعالیت‌های اسلامی مبارزه می‌کردند، ضرورت تأسیس حزب‌الله را در ک کردند و بدین ترتیب زمینه تأسیس و تکامل آن را فراهم آوردند.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) تأثیری شگرف در ساماندی اندیشه‌های حزب‌الله و جنبه‌های عملی و نظری آن بر جای گذاشت و گروه‌های فعال شیعی متعددی، نظیر حزب الدعوة اسلامی با انحلال خود، فعالیت‌هایشان را در چارچوب انقلاب اسلامی قرار دادند. هنگامی که نبیه بری، رئیس جنبش امل در گردهمایی «کمیته نجات» که به دعوت الیاس سرکیس، رئیس جمهوری وقت لبنان، همزمان با اشغال این کشور توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ برگزار می‌شد، شرکت کرد، سید ابراهیم امین، مسئول دفتر جنبش امل در تهران، به کمیته نجات و شرکت کنندگان در آن حمله کرد و آن را «کمیته آمریکایی» خواند.

همزمان با این وضع، حسین موسوی جانشین وقت رهبر جنبش امل، به سوی مناطق بقاع در شرق لبنان رفت و با حمله به کمیته نجات، تولد جنبش امل اسلامی را با اشرار داد. این اقدام موسوی موجب شد تا دفتر سیاسی جنبش امل در بیروت، طی نشست‌های وی از جنبش یادشده اخراج کند و می‌توان گفت که از آن به بعد، حزب‌الله لبنان شکل گرفت.

از میان نیروها و شخصیت‌هایی که به این حزب پیوستند می‌توان، به اعضای حزب الدعوة، تعدادی از کادرهای جنبش امل، برخی روحانیون شیعه و شماری از کادرهای سابقه دار در سازمان‌های فلسطینی و احزاب ملی لبنان و برخی جناح‌های اسلام‌گرا و مستقل لبنان اشاره کرد. حزب‌الله اندکی پس از دوران تأسیس، موفق شد حضور مردمی و نظامی مهمی در صحنه لبنان بیابد. در میان طرح‌های اولیه حزب‌الله می‌توان به طرح توسعه قلمرو و نفوذ اجتماعی، از طریق ارائه خدمات اجتماعی، مانند بیمارستان، در مانگاه و مراکز خدماتی و تبلیغاتی در منطقه جنوب بیروت و دره بقاع و ناحیه ضاحیه در بیروت که مقر اصلی شیعیان در این شهر است، اشاره کرد.

### حزب‌الله و حسن نصرالله

در سال ۱۹۸۲ هم‌زمان با حملات اسرائیل به جنوب لبنان و پس از ریزش شدن امام موسی صدر، به علت اختلافات سیاسی-نظامی میان رهبران جنبش امل، سید حسن همراه برخی دیگر از مقامات جنبش امل به رهبری سید عباس موسوی که تمایلاتی به انقلاب ایران داشتند، از این گروه خارج شدند که در واقع این خروج مقدمه‌ای برای تأسیس حزب‌الله شد. در همان سال ۱۹۸۲ به رهبری موسوی، هسته اولیه حزب‌الله شکل گرفت. موسوی در این زمان خواهان افزایش فعالیت و نفوذ سوریه به رهبری حافظ اسد در لبنان بود. اما نصرالله اصرار داشت که این گروه بر روی حملات به نظامیان آمریکایی و اسرائیلی تمرکز داشته باشد.

سید حسن نصرالله از ابتدای شکل‌گیری حزب‌الله در آن به فعالیت پرداخت، در سال ۱۹۸۵ وی با انتقال به بیروت مسئولیت‌های سنگین‌تری را عهده‌دار شد. نخستین مسئولیت جدی نصرالله آماده‌سازی نیروهای مقاومت و تأسیس هسته‌های نظامی و در عین حال معاون ابراهیم امین از نمایندگان حزب‌الله در پارلمان لبنان بود. در سال ۱۹۸۷ و هم‌زمان با تشکیل کمیته اجرایی حزب‌الله،



## شعر مقاومت و آزادی در لبنان

# صدای پنهان عشق و آزادی

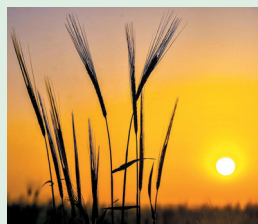
می زیاده (۱۸۸۶-۱۹۴۱) شاعر و نویسنده لبنانی - فلسطینی در سخنی زیبا و دلنشین گفته است: «دوستی گل می کار در زندگی و شعر باغچه دوستی هاست.» در این نوبت، به یاد شهدای لبنان، به ویژه سید حسن نصرالله و یاران مظلومش که در ضاحیه و مناطق دیگر هدف آتش اشقیبا قرار گرفتند، چند شعر از ادبیات منظوم آن سرزمین آورده ایم... با دا که صدای شاعران، صدای تفنگ را از زمین پاک کند.

بیروت می سوزد و من تو را دوست دارم / نزار قبانی  
هنگامی که بیروت می سوخت و آتش نشان ها لباس سرخ بیروت را می شستند و تلاش می کردند تا گنجشککان روی گل های گجبری را آزاد کنند.  
من پابرهنه در خیابان ها بر آتش های سوزان و ستون های سرنگون و تکه های شیشه های شکسته می دویدم در حالی که چهره ی تو را که بود چون کبوتری محصور جستجوی می کردم در میان زبانه های شعله ور می خواستم به هر قیمتی بیروت دیگرم را نجات دهم همان بیروتی که تنها... مال تو... و مال من بود  
همان بیروتی که مادورا در یک زمان آبتن شد و از یک پستان شیر داد و مارا به مدرسه بدریا فرستاد آن جا که از ماهی های کوچک اولین درس های سفر را و اولین درس های عشق را یاد گرفتیم همان بیروتی که آن را در کیف های مدرسه مان با خود می بردیم و آن را در میان قرص های نان و شیرینی کتجد و در شیشه های ذرت می گذاشتیم و همانی که آن را در ساعات عشق بازی بزرگانم بیروت تو و بیروت من می نامیدیم

غربت کسی نباش که وطن دیده تو را هر که بی عشق است از زمستان بیم خواهد داشت اندکی از تو بسیاری ست از همه چیز... برای اثبات عشقم به تو چهار شاهد دارم حال آن که برای اثبات هر قضیه ای دو شاهد لازم است تپش قلبم لرزش بدنم تکیدگی جسمم بند آمدن زبانم چشمات تیغی ست در دل مرا می رنجاند... و آن را می پرستم... جز اندیشیدن در چین و چروک دریاچه، چیز دیگری برایم نمانده است... فردایم را از من بگیر و دیروزم را بده... و بگذار با هم بمانیم... آهسته گذر کن، ای زندگی، تا تو را در اوج کاستی پیرامون خود ببینم. چقدر در جست و جوی خویشتم و تو، تو را در گیرودار از یاد بردم. و هر بار که به رازی از تو پی بردم. بالحن تندگی گفتی: چقدر نادانی! به غیاب بگو: مرا کم داشتی و من حضور یافتم... تا تو را کامل کنم! آیا نبودن تو را می کشد؟ مرا حضور سرد و بی جانی که شبیه نبودن است می کشد

من هر روز تغییر می کنم / جبران خلیل جبران  
اگر توانسته باشم در قلب یک انسان پنجره جدیدی را به سوی او باز کرده باشم زندگانی من پوچ نبوده است  
زندگانی تنها چیزی است که اهمیت دارد نه شادمانی و نه رنج و نه غم یا شادی تنفر همانقدر خوب است که عشق و دشمن همانقدر خوب است که دوست برای خودت زندگی کن زندگانی را به آن سان که خود می خواهی زندگی کن و از این رهگذر است که تو وفادارترین دوست انسان خواهی بود من هر روز تغییر می کنم و در هشتاد سالگی هم، همچنان تجربه می آموزم و تغییر می کنم کارهایی را که به انجام رسانده ام دیگر به من ربطی ندارد، دیگر گذشته است من برای زندگی هنوز نقدبنه های بسیاری در اختیار دارم

چاه و صدا / محمد علی شمس الدین  
فردا، شاید روز من باشد در انتظار هیچم! اما من آرامم به روی ناامیدی ام کمی خم می شوم و خاکستر سیکارم را بر چو نم می تکانم!  
روز گاری است که مردی آرامم چون مجسمهء بودا. تنها بیم را از خم مز نید یاسکوترم را. چون چاهی با خویشتم به سخنم و صدایم را به احشای چاه می سپرم به خود می گویم: فردا، شاید مرگ من سر رسد و بینمشان. و می گویم: فردا شاید شاید مرا ببینند برق ترسان بر دوش شهر ما می درخشد، برق هراس. برق ترسان بر دوش شهر ما، بر تکه های آب، بر تن آسفالت جز گامهای سگی ترسان، نمی شنوی و بر سیمهای برق، با احشای آویخته جز پره های هراسان نمی بینی. در خیابان گام بر می دارم، تنها چیزی نمی بینم جز جامه های ترسانی که به دنبال من به راه افتاده اند.»



# متی نصرالله؟

جستاری از تفسیر رشیدالدین میبیدی

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ اللَّيْلَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ: آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به هول و تکان در آمدند، تا جایی که پیامبر و کسانی که با وی ایمان آورده بودند، گفتند: «پیروزی خدا کی خواهد بود؟» هس دار، که پیروزی خدا نزدیک است. (بقره، ۲۱۴)

می گوید: شما که مؤمنانید، می پندارید که بی رنجی و بلایی که به شما رسد، در بهشت شدید؟ جای دیگر گفت: «ای طمع کل امری منم آن یدخل الجنة نعیم کلا: هر کس پندارد و طمع دارد که در بهشت شود رنج نبرد و بار بلا ناکشیده؟ نه چنان است که می پندارند و طمع دارند.» می گوید: «پندارید که در بهشت شوید و هنوز به شما نرسد آنچه به گروه پیشینیان رسید و در صبر بر بلاها، رنجها نکشیدید چنانکه ایشان کشیدند؟» و آنکه تفسیر کرد که ایشان را چه رسد: «مَسْتَهْتِمُ اللَّيْلَاءُ: به ایشان رسید درویشی و ناکامی و سختی. وَالضَّرَاءُ: و بیماری و شکستگی اندام و گرسنگی.» گفته اند که «بِأَسَاء» رنج تن بود و «ضَّرَاء» زبان مال.

خواص گفته که این بلا و بی کامی و درویشی و بینوایی در دنیا، لیسۀ مؤمنان است و حلیت پیغامبران و زینت عارفان و رأس المال صدیقان. فرعون که مطرود مملکت بود، او را چهار صد سال عمر بود که هرگز او را توبی نگرفت و رنجی نرسید و بی کامی ندید و در آن تمر دو طغیان خود می گفت: «أَنَا رَبِّكَمُ الْأَعْلَى (من پروردگار برتر تان). مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي (من جز خود، خدای بی برای شما نمی شناسم)» حال آن دشمن چنین بود و حال مصطفی بر خلاف این بود. عایشه می گوید: هرگز روزی فراشب نشدی که مصطفی را از کافران جفایی نرسیدی یا او را توبی نگرفتی یا به نوعی رنجی در او نگرفتی. گفتند: «یا رسول الله، این همه رنج و بلا از کجاری به تو نهاده است؟» گفت: «نمی دانید که این رنج و بلا به اندازه ایمان بود؟ هر که را ایمان تمام تر، بالای وی بیشتر. چون ایمان ما بر ایمان عالمیان بیفزود، لا جرم بالای ما نیز بر بالای عالمیان بیفزود.»

«و زلزلوا حتی یقول الرسول: ای ایشان را از جای بجنابیدند از پس مصیبت ها که به ایشان رسید و بلاها که بر ایشان ریختند تا آنکه هر رسول ایشان گفت و مؤمنان که با وی بودند: متی نصر الله: این فتح ما را کی بر آید؟ و الله ما را بر دشمن کی نصرت دهد؟ و گزند از ما کی باز برد؟» رب العالمین گفت: «ألا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ». جواب دادیم آن گروه را در عهد خویش، همان جواب که می دهم شما را ای مهاجر و انصار و یاران رسول من: آگاه بید که هنگام یاری دادن الله نزدیک است!

این در شأن فقراء مهاجرین آمد؛ آن درویشان و شکستگان و اندوهگنان که روی ایشان از هیبت خدای بر سوخته و وز تعظیم دین اسلام، خویشتم را در بوتۀ ریاضت فرو گذاخته؛ به ترک خان و مان و دیار و وطن بگشته؛ بر ناکامی ها و دشواری ها صبر کرده، و طلب رضاء خدا و صحبت رسول وی بر همه اختیار کرده. چون رنج ایشان به غایت رسید و جان به چنبر گردن رسید و منافقان از پس وقعه اخذ زبان طعن دراز کرده که: «الی متی تقتلون انفسکم؟» (تا کی خود را به کشتن می دهید؟)، رب العالمین تسکین دل ایشان را، این آیت فرستاد.

توان گفتن حدیث خوبان، آسان آسان حدیث ایشان نتوان! خبر نداری که پیوستن در گسستن است، و زندگانی در مردن، و مرادها در بی مرادی؛ پروانه شمع را وصال در وقت سوختن است و شمع را زندگی در سر بریدن است!

در دیدن، خود بلعجب دردی ست کاندروی چو شمع چون شوی بیمار، بهتر گردی از گردن زدن خوش باغی و راغی است فردوس برین، لکن راه آن دشخوار است و گلبنی پر خار است. مصطفی (ص) گفت: «حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ» (بهشت در ناخوشی ها پوشیده شده است) تا هر ناکسی و نااهلی دعوی آشنایی نکند. مثال این قاعده، در باست که مقرر جواهر گرانیامه و در شب افروز ساختند و آنکه نهنگان و ماهیان عظیم حجاب آن جواهر و در ساختند. دو تن بر خیزند که عشق آن در ایشان را در میدان طلب کشد. به کناره آن در یا شوند صعوبت آن ببینند، و از فرات آن نهنگان هراس در ایشان پدید آید. از آن دو مرد، یکی چون آن احوال و احوال با صعوبت ببیند، بترسد و از آن طلب قدم باز نهد و از گفتار خویش تیزا کند. این یکی صاحب آرزوی بود، در صفت رجولیت تمام نبود، پنداشت که این کار به آرزوی مجرد می بر آید، و بی رنج به سر گنج می رسد و عزت شرع او را جواب می دهد که:

بامات همی نهفته رازی باید و ز مات همی به خود نیازی باید  
الحق تو نگو مرغی، ای زاغ سیاه کت جفت همی سپیدبازی باید!  
و آن دیگر مرده که خداوند ارادت بود، عشق جمال آن گوهر شب افروز دیده عقل وی از احوال آن دریا بردوزد، تا از آن معانی هیچ به خود راه ندهد، و آن جمال هر ساعتی و هر لحظتی بر وی جلوه می کند، تا وی شبیفته تر و عاشق تر می شود، سرنگون به دریا شود! اگر سعادت مساعدت نماید و توفیق رفیق بود، در شب افروز در قبض طلب وی آید، و اگر به عکس این بود، جانش نهنگان به غارت بر بند، و نامش در جریده لا ابالی ثبت دارند و زبان حال گوید:  
چون من دوهزار عاشق اندر ماهی می کشته شوند و بر نیاید اهی!

\* تفسیر کشف الاسرار

## درباره زندگی جبران خلیل جبران شاعر بزرگ لبنان و نمونه اشعار و نوشته های او

# زمزمه های ملکوت انسانی



جبران خلیل جبران (۶ ژانویه ۱۸۸۳ - ۱۰ آوریل ۱۹۳۱) اهل بشری لبنان و نویسنده لبنانی-آمریکایی و نویسنده کتاب پیامبر بود. جبران، علاوه بر شعر و نویسندگی، در نقاشی نیز ذوق و مهارت داشت و بیش از ۷۰۰ کار هنری از او بجا مانده است. اما شهرت جبران بیشتر به خاطر کتاب پیامبر است که برای اولین بار در سال ۱۹۲۳ در آمریکا منتشر شد و از آن زمان به یکی از پر فروش ترین کتاب های تمام دوران ها تبدیل شده و به بیش از ۱۰۰ زبان ترجمه شده است.

### دوران کودکی و جوانی

او در ششم ژانویه سال ۱۸۸۳، در خانواده ای مسیحی مارونی (منسوب به مارون قدیس) که به «خلیل جبران» شهرت داشتند، در بشری (ناحیه ای کوهستانی در شمال لبنان) به دنیا آمد. مادرش دوزنده ای هنرمند بود که کامله نام داشت.

مادر جبران کامله رحه، سی ساله بود که جبران را از شوهر سومش خلیل جبران به دنیا آورد. شوهرش مردی بی مسئولیت بود و خانواده را به ورطه فقر کشاند. «جبران خلیل» یک برادر ناتنی به نام «پیتر» (شش سال بزرگتر از خودش) و دو خواهر کوچکتر به نام های «ماریا» و «سلطان» داشت که در تمام عمرش به آن ها وابسته بود. از آنجا که «جبران» در فقر بزرگ می شد، از تحصیل رسمی بی بهره ماند و آموزش ها به ملاقات های منظم با یک کشیش روستایی بود که او را با اصول مذهب و انجیل و زبان های سریانی و عربی آشنا کرد. «جبران» هشت ساله بود که پدرش به علت عدم پرداخت مالیات به زندان افتاد و حکومت عثمانی تمام اموالشان را ضبط و خانواده را آواره کرد. سرانجام مادر «جبران» تصمیم گرفت با خانواده اش به آمریکا کوچ کند. در ۲۵ ژوئن سال ۱۸۹۵، جبران در دوازده سالگی با مادر، برادر و دو خواهرش، لبنان را ترک و به ایالات متحده آمریکا رفت و در بوستون ساکن شد. وی در بوستون به مدرسه رفت. در مدرسه، اشتباهی در ثبت نام، نام او را برای همیشه تغییر داد و به کهلیل جبران Kahlil Gibran تبدیل کرد که علی رغم تلاش هایش برای بازیابی نام کامل، تا پایان عمرش بر جاماند. در سال ۱۸۹۶ آموزش کارش که استعداد هنری جبران را دید، او را به عکاس و ناشری بنام «فرد هلنددی» معرفی کرد و از آن به بعد جبران وارد مسیر هنر شد. وی جبران را با اساطیر یونان، ادبیات جهان، نوشته های معاصر و عکاسی آشنا کرد.

### بازگشت به لبنان

دختر جوانی به نام «وزفین بی بادی» که ثروت سرشاری از ذوق و فرهنگ داشت، دل به محبت این جوان بست و در رشد و کمال او بسیار مؤثر واقع شد. وی در آمریکا به نگارگری پرداخت. زبان دیگری نیز بعدها در زندگی «جبران» ظاهر شدند که از همه مهم تر خانم «هری هسکل» و «شارلوت تیلر» هستند. این دوزن (به ویژه خانم هسکل) شاید بیشترین تأثیر را در زندگی فرهنگی و هنری و حتی اقتصادی «جبران» داشته اند. اما جبران پس از حدود سه سال اقامت در آمریکا به شوق زادگاه و عشق به آشنایی با زبان و فرهنگ بومی

را آموخته بود و در سرودن شعر به مهارت رسیده بود، تمام کرد. در این هنگام رابطه اش با پدرش قطع شد و او او جدا شد و زندگی محقر و فقیرانه ای را از سر گرفت. در همان هنگام شنید که برادر ناتنی اش سل گرفته، خواهرش «سلطان» مشکل روده ای دارد و مادرش گرفتار سرطان است. با شنیدن خبر بیماری هولناک «سلطان»، «جبران» در ماه مارس ۱۹۰۲ لبنان را ترک کرد. اما دیر رسید و «سلطان» در چهارده سالگی در گذشته بود. در همان سال، «پیتر» به بیماری سل و مادرش به سرطان در گذشتند.

«جبران خلیل» بعد از پایان تحصیلاتش در فرانسه دوباره وارد آمریکا شد و تا مرگش در سال ۱۹۳۱ در آنجا کار و زندگی کرد. «جبران خلیل جبران» در سال ۱۹۳۱ به علت سیروز کبدی در گذشت.

### آثار

جبران هنرمند پر کاری بود و در طول عمر کوتاهش آثار زیادی تولید کرد، از جمله ۲۸ کتاب، ۸۱ مقاله و حدود ۷۰۰ نگاره. جبران قالب های مختلف ادبی مانند شعر، نثر، نمایش نامه، مقاله و داستان را آموذ. لیست برخی از کارهایش در پایین آمده است.

### به زبان عربی

دعوه و ابتسامه / الأرواح المتمرده / الأجنحة المتكسره / العواصف (روایه) / البدائع والطرائف: مجموعه من مقالات و روایات، تتحدث عن مواضيع عديدة لمخاطبه الطبیعه و من مقالاته «الأرض»، نشر فی مصر عام ۱۹۲۳ / عرائس المروج / نبذه فی فن الموسیقی / المواکب / النبی

### به انگلیسی

The Madman (1918) / (transcriptions: wikisource, Gutenberg) Twenty Drawings (1919 / The Forerunner (1920) / The Prophet, (1923) / Sand and Foam (1926) / Kingdom of the Imagination (1927) / Jesus, The Son of Man (1928) / The Earth Gods (1931

### ترجمه آثار جبران به زبان فارسی

پیامبر، ترجمه حسین الهی قمشه ای، انتشارات روزنه / دیوانه، ترجمه موسی بیج، انتشارات افق / موسیقی، ترجمه موسی بیج، انتشارات افق / آواره + خدایان زمین، عبدالرضای، انتشارات افق / عیسی پسر انسان، ترجمه موسی اسوار، انتشارات سخن / اشک و لبخند، ترجمه مهدی سرحدی، انتشارات کلیدر / ماسه و کف، ترجمه مهدی سرحدی، انتشارات کلیدر / عروسان دشت، ترجمه حیدر شجاعی، انتشارات دادار / بالهای شکسته، ترجمه مرصیه صادقی زاده، انتشارات آوس / آینه های روح، ترجمه رضا ثمری حاجی آقا افشین افشاری، انتشارات نشر قطره / نامه های عاشقانه، ترجمه مسیحایزگر، انتشارات صدای معاصر / دلتنگی ها، ترجمه مسیحایزگر، انتشارات صدای معاصر / زیبایی خفته، ترجمه مسیحایزگر، انتشارات ذهن / ایز / قصه عشق، ترجمه مسیحایزگر، انتشارات خانه معنا / مسیحا، ترجمه مسیحایزگر، انتشارات ذهن / ایز.

## شعرها و سخنانی از جبران خلیل جبران (۶ ژانویه ۱۸۸۳ - ۱۰ آوریل ۱۹۳۱) شاعر و نویسنده، فرزند لبنان

# میان زمین و آسمان

بلکه به آن چیزی بستگی دارد که از تو پنهان می نماید. به همین خاطر، اگر خواستی او را بشناسی، به چیزی که می گوید گوش فرامده، بلکه به چیزی که نمی گوید گوش بده.

«اگر دوزن با هم سخن بگویند، هیچ چیزی را بیان نمی کنند؛ و اگر یک زن سخن گوید، در حقیقت کل زندگی را بیان می کند.»  
«جز شخص حسود کسی به افراد باوه گو حسادت نمی کند.»  
«چشمات را خوب باز کن و نگاه کن، چهره خود را در تصویر می بینی؛ با گوشه های خوب گوش بده، صدای خویش را در همه صداها می شنوی.»  
«حق به دو شخص نیاز دارد: یکی که آن را دادا کند و دیگری که آن را بفهمد.»  
«بسیاری از آیین ها همانند شیشه پنجره است که از میان آن حقیقت را می بینیم، ولی ما از حقیقت جدا می سازد.»  
«زن می تواند چهره خود را با یک لبخند بیوشاند.»  
«اگر درخت این توان را داشت که شرح حال زندگی خود را بگوید، تاریخچه زندگی اش شبیه تاریخچه ملت ها می شد.»  
«شعر دیدگاهی نیست که کلمات بتوانند آن را بیان نمایند، بلکه سرودی است که از زخم مجروح یا داهانی خندان شنیده می شود...»



دل هایمان بهتر از آن چیزی است که بدان دست یافته ایم.»  
«اگر برای همسوز یا کشور یا ذات خویش کمی از تعصب دوری گزینی، در واقع همانند پروردگارت می شوی.»  
«کسی را که با او خندیدی فراموش می کنی، ولی کسی را که با او گریستی از یاد نخواهی بُرد.»  
«تلخ ترین اندوه های ما، یادآوری شادی های گذشته ماست.»  
«آرزو نیمی از زندگی است، اما بی تفاوتی نیمی از مرگ است.»  
«شخص دانا، دانایی را به من نسبت می دهد و نادان، نادانی را؛ و به نظرم می رسد که هر دو به حق هستند.»  
«پادشاه حقیقی همان کسی است که تاج و تخت خویش را در دل های درویشان می یابد.»  
«حکومت توافقی است میان من و تو، و در اغلب من و تو در گمراهی هستیم.»  
«تفاوت میان ثروتمندترین افراد و فقیرترین آن ها، فقط یک روز گرسنگی و یک ساعت تشنگی است.»  
«خداوند اندیشید و نخستین اندیشه او فرشته بود، و خداوند سخن گفت و نخستین سخن او انسان بود.»  
«ارزش هر انسان به چیزی که به آن دست می یابد نیست، بلکه به هدفی است که میل رسیدن به آن دارد.»  
«اگر به نعمت هایی که برای آن نامی نمی شناسی اندوهگین شدی و علت اندوهت را ندانستی، در این صورت همراه همه رشدیافتگان به حقیقت می رسی و به سوی ذات عظیم خویش رشد و نمو می یابی.»  
«حقیقت ذات انسان بر آن چیزی نیست که برای تو نمایان می شود،

«آن گاه که عشق تو را می خواند، به راهش گام نه! هر چند راهی پر نشیب. آنگاه که تو را زیر گستره بال هایش پناه می دهد، تمکین کن! هر چند تیغ پنهانش جانکاه. آن گاه که با تو سخن آغاز کند، بدو ایمان آور! حتی اگر آوای او روئیای شیرینت را در هم گوید، مانند باد شرطه که بوستانی را.»  
«اغراق، چون حقیقتی است که صبر خود را از دست داده است.»  
«ایمان و رؤیای وجود شعر انهفته است، زیرا روزنه ورود به ابدیت در دل آن ها پنهان شده.»  
«بگذار تا گذشته و حال را در آغوش خاطر، تنگ بفشیریم و آینده را در آغوش گرم اشتیاق.»  
«به نظر می رسد که من با تیری در قلب زاده شده ام، تیری که تحمل فشار آن در قلب، در دناک است و خارج کردنش کشنده...»  
«در ختان شعری هستند که زمین بر پهنه آسمان می نویسد. ما آن ها را قطع می کنیم و از آن ها کاغذ می سازیم بل که تپه بودن خود را بر آن ثبت کنیم.»  
«دیروز، مطیع سلاطین بودیم، و سر بر آستان امپراطوران داشتیم؛ امروز، حقیقت را می ستاییم، و ره عشق می پیویم.»  
«فرزندانتان از آن شما نیستند! آن ها پسران و دخترانی هستند که از خود شیفتگی زندگی، جان گرفته اند. آن ها به وسیله شما، و نه از شما شکل می گیرند، گرچه در کنار شما آسوده اند اما در تملک شما نیستند. شما مجازید که عشق خود را به ایشان هدیه کنید، نه افکارتان را؛ که آن ها خود فکورند.»  
«گل های بهاری، رؤیای زمستان است.»  
«همچون شما زنده ام و در کنار شما ایستاده ام، چشمان خود را ببندید و اطراف را بنگرید، مراد بر برابر خود خواهید دید.» (گور نوشته جبران)  
«هر اندیشه ای که آن را نگفتم، باید با عمل آن را بیان کنم.»  
«هنر، گامی است که طبیعت به سوی ابدیت بر می دارد.»  
«آنچه که بدان مشتاق می شویم و از دستیابی به آن ناتوانیم، نزد

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۶۳ (برابر ۷ مهر ۱۳۴۵ - ۳۱ اکتبر ۱۹۸۴) نقل شده است.

از تردد اتومبیل‌هایی که عوارض قانونی آنها پرداخت نشده باشد جلوگیری می‌شود

شهردار تهران ضمن تشریح میزان هزینه‌های ترافیکی و مخارجی که صرف خدمات شهری می‌شود از دارندگان اتومبیل‌های شخصی تقاضا کرد عوارض سالانه اتومبیل خود را طبق برنامه اعلام شده به شعب بانک ملی بپردازند تا این سازمان بتواند به نحو احسن نسبت به ارائه خدمات شهری به شهروندان عزیز اقدام کند. در صورتی که عوارض اتومبیل‌ها به موقع پرداخت نشود اتومبیل از سوی مأموران راهنمایی رانندگی متوقف خواهد شد. محمدنبی حبیبی شهردار تهران گفت: خدمات دهی به شهر تهران با ۵۲۰ کیلومتر مربع وسعت و ۶/۵ تا ۷ میلیون نفر جمعیت و با توجه به بی‌ضابطه بودن شهرسازی آن کار بسیار مشکل و پرهزینه‌ایست به طوری که در سال جاری با احتساب هزینه‌های شرکت واحد بیش از ۵ میلیارد تومان هزینه داشته‌ایم که اگر بخواهیم به کارهای بنیادی بپردازیم این هزینه به ۶ میلیارد و در صورت اجرای طرح‌های اساسی مثل مترو هزینه آن به ده‌ها میلیارد تومان می‌رسد...

برای ایجاد ۱۴ واحد صنعتی، ۸۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شد

اداره کل صنایع استان تهران در گزارشی اهم اقدامات و فعالیت‌های خود را در شهریور ماه جاری اعلام کرد. بر اساس این گزارش در این مدت برای ۱۴ واحد صنعتی در رشته‌های مختلف ۸۱۲/۸۲۲/۸۵۰ ریال سرمایه‌گذاری و برای تعداد ۳۸۶ نفر کارگر کارت شناسایی و جهت ۲۶ واحد صنعتی در رشته‌های مختلف با ۴۵۵ نفر کارگر کارت شناسایی موقت صادر شده است.

۲۲ نفر از کارکنان گمرک به جرم رشوه‌خواری از خدمت منقصل شدند

خبرگزاری جمهوری اسلامی در تماس با نخست‌وزیری کسب اطلاع کرد: ۲۲ نفر از کارکنان گمرک ایران به جرم رشوه‌خواری به مدت یک سال از خدمت منقصل شدند این تعداد در مسئولیت‌های کارشناس امور گمرکی، ارزیاب، مأمور انتظامی، رئیس منطقه گمرکی، متصدی امور حقوقی و دفتری، مسئول صدور پروانه و متصدی دفتر کوتاژ می‌باشند. احکام انقصال از خدمت ۲۲ نفر از کارکنان رشوه‌خوار گمرک ایران بر اساس رای هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری صادر شده است. پرونده این افراد برای پیگیری و مجازات به مراجع قضائی ارسال گردیده است.

با کشف دو قمارخانه ۳۶ قمارباز دستگیر شدند

توسط مأموران کلانتری تهران پارس، قمارخانه‌ای واقع در خیابان زرین تقاطع ۱۹۶ غربی، متعلق به شخصی به نام اصغر کشف شد. در این رابطه ۲۱ نفر دستگیر و مبلغ یکصد و هشتاد و چهار هزار تومان وجه نقد، همراه یک عدد تاس بازی کشف شد. همچنین قمارخانه‌ای در خیابان نظام آباد کوچه سید علی، متعلق به شخصی به نام علی کشف شد. در این رابطه ۱۵ نفر دستگیر، و مبلغ ۱۷۵۰۰ تومان وجه نقد، ۳ عدد قاپ، و یک دست ورق پاسور توسط مأموران کلانتری ۶ جمع‌آوری شد.

ارزش برای دلار نسبت به لیر لبنان به بالاترین میزان خود رسید

خبرگزاری جمهوری اسلامی - دلار دیروز (سه‌شنبه) در بازارهای مالی بیروت، با ۸/۱۰ لیره لبنان بی‌سابقه می‌باشد. به گزارش رسیده، افزایش فوق‌العاده قیمت دلار آمریکا در مقابل «لیر» لبنان و نتایج زیان‌بار آن بر وضع اقتصادی و اجتماعی مردم لبنان، مسئولین بلندپایه این کشور را وادار کرد تا جهت اتخاذ اقدامات فوری به منظور مقابله با وضع مزبور، فعالیت‌هایی انجام دهند.

قاب امروز



بازار فرش قزوین، تجلی معماری و هنر - عکس: طاهره رخ بخش - ایسنا

امروز در تاریخ

شگست رومی‌ها از «سورنا» فرمانده ایرانی

سوم اکتبر سال ۵۶ پیش از میلاد، سران دولت روم و مشاوران و ژنرال‌های آن کشور در نشست «لوکا» تصمیم گرفتند که مناطق غرب رود فرات در آسیا و اراضی شمال و شمال غرب گل (فرانسه امروز) تا نزدیکی برلین و جزایر بریتانیا در اروپا ضمیمه قلمرو روم شود. در این نشست کراسوس داوطلب شد که به شرق لشکر بکشد و برای تصرف اراضی غرب فرات با ایران در آویزد. ارتش ایران به فرماندهی «اسپهد سورنا»، در نبرد «حران» لژیون‌های رومی را از پای درآورد و یک سرباز ایرانی کراسوس ۶۰ ساله را به هنگام فرار کشت.

مانوی، آیین رسمی اوینور هاشد

سوم اکتبر سال ۷۸۰ میلادی، «آلپ قتلغ» امپراتور ایغورها (ساکن منطقه‌ای در آسیای میانه و اینک زیر کنترل دولت چین) آیین مانوی را دین رسمی قلمرو خود اعلام کرد. مانوی ایرانی که در سال ۲۷۶ میلادی با رای یک هیأت مذهبی اعدام شد، در قرن سوم میلادی بانی آیینی بود که آمیخته‌ای از ادیان قدیم بود. این آیین در اروپا و آسیا تا قرن سیزدهم میلادی پیروان فراوان داشت.

از دواج اردشیر پاپکان یاد دختر اردوان پنجم

سوم اکتبر سال ۲۲۶ میلادی اردشیر پاپکان که خود را شاه همه ایران زمین اعلام کرده بود، در جریان جشن‌های مهرگان در شهر تیسفون با میترا دختر اردوان پنجم ازدواج کرد تا کدورت اشکانیان از او که بر اردوان غلبه کرده و اردوان جان خود را از دست داده بود برطرف شود. اردشیر مؤسس دودمان ساسانیان بود. درباره علاقه دیرین اردشیر نسبت به میترا در شرق و غرب داستانسرای بسیار شده است.

اختراع پولاد به دست ایرانیان

بر پایه محاسبات تقویمی؛ در اکتبر سال ۵۰۰ میلادی (مهرماه) ایرانیان موفق شدند که پولاد (آهن آبدیده) بسازند که اختراع آن به نام ایران در تاریخ عمومی صنعت آمده است. ایرانیان از آن پس، جنگ‌افزارهای خود را از آهن آبدیده (پولاد) تهیه کردند و تا انتقال این اختراع به میان سایر ملل، برتری تسلیحاتی داشتند.

www.iranianshistoryonthistoday.com

پند بزرگان

اگر می‌خواهید شجاعان را بیابید، کسانی را جستجو کنید که قادر به بخشدن هستند و اگر می‌خواهید قهرمانان را بیابید، کسانی را بجوید که قادرند در مقابل نفرت، عشق بورزند.

بهاگواد گیتا

سرمایه

اگر زرین کلاهی عاقبت هیچ اگر خود پادشاهی عاقبت هیچ اگر ملک سلیمانیت ببخشند

در آخر خاک راهی عاقبت هیچ

باباطاهر

۲۹۲۰

سودوکو

۸	۳	۵	۸	۱
۸		۹	۶	
	۴	۱		۳
	۹	۴	۶	۵
	۶			۲
	۱	۷	۵	۹
۱		۴		۲
	۶	۹		۵
۴	۵	۶	۷	

غلامحسین باغبان

طراح جدول

۲۹۲۹

پاسخ

۷	۶	۵	۲	۱	۳	۴	۸	۹
۴	۸	۹	۷	۶	۵	۲	۱	۳
۲	۱	۳	۴	۸	۹	۷	۶	۵
۵	۷	۶	۳	۹	۲	۱	۴	۸
۱	۲	۴	۵	۷	۸	۳	۹	۶
۳	۹	۸	۶	۴	۱	۵	۷	۲
۸	۵	۷	۱	۳	۶	۹	۲	۴
۶	۴	۲	۹	۵	۷	۸	۳	۱
۹	۳	۱	۸	۲	۴	۶	۵	۷

۶۴۴۲

شرح دومتن

به شدت بی قرار بودن	شعری از قیصر امین پور	مردمی توسعه و گسترش	بیکاره فراموش نگرفین!	بزرگترین دریایچه عالم	پسندیده
ب					
موی بلند			عقیده شمردنی هوای متحرک		
	حلال و روا ناپینا			منقار کوتاه هم تیمی	
طلا دفع مزاحم		تولید قله ای در زاگرس			شهر زیارتی عراق
عاصی و تنهار					درد
توقف					ساز دایره شکل
نگاه خیره دست عرب	نام پسرانه				
ک					
بخش بالای موشک سفید فروخته					
پ					
مقابل پیشوند دینداری					

پاسخ ۶۴۴۲